

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده الهیات و معارف اسلامی
پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد
رشته فلسفه و کلام اسلامی

عنوان:

**مقایسه دیدگاه استاد مطهری و پلنتینگا در باب منشأ
اعتقاد به خدا**

استاد راهنما

دکتر نرگس نظر نژاد

دانشجو

سیده منصوره کاظمینی

شهریور ۱۳۹۰



دانشکده الهیات و معارف اسلامی
پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد
رشته فلسفه و کلام اسلامی

عنوان:

مقایسه دیدگاه استاد مطهری و پلنتینگا در باب منشأ اعتقاد به خدا

استاد راهنما:

دکتر نرگس نظر نژاد

استاد مشاور:

دکتر فروزان راسخی

دانشجو:

سیده منصوره کاظمینی

شهریور ۱۳۹۰

کلیه دستاوردهای این تحقیق متعلق به دانشگاه الزهراء (س) است.

تقدیم به:

مادر و پدر عزیزم که همیشه و در تمام سطوح علمی حامی و پشتیبانم بوده و دعای خیرشان را بدرقه راهم کرده اند. عاقبت به خیری، موفقیت روز افزون و اجر اخروی را برای این دو بزرگوار از خداوند منان خواستارم.

با تشکر از استاد راهنمای ارجمندم سرکار خانم دکتر فرگس نظر نژاد، استاد مشاور
بزرگوارم سرکار خانم دکتر فروزان راسخی و همسر عزیزم که با زحمات دلسوزانه،
تلاش بی وقفه و صبر و بردباری مرا در نوشتن این پایان نامه یاری کردند.

چکیده:

یکی از مهمترین مباحث فلسفه دین، مبحث منشأ اعتقاد به خداست. درباره منشأ اعتقاد به خدا دیدگاه‌های گوناگونی وجود دارد؛ اما مهمترین این دیدگاه‌ها، دیدگاهی است که منشأ اعتقاد به خدا را "فطری" می‌داند. در این پژوهش تلاش کرده ایم "فطری" بودن منشأ اعتقاد به خدا را از دیدگاه پلنتینگا و استاد مطهری - دو متفکر جهان غرب و اسلام - بررسی نماییم. این دو متفکر هر دو منشأ اعتقاد به خدا را غیر برهانی و "فطری" می‌دانند؛ با این تفاوت که پلنتینگا از فطری بودن منشأ اعتقاد به خدا، عقلانیت این اعتقاد و استاد مطهری حقانیت آن را نتیجه می‌گیرند.

واژگان کلیدی: منشأ دین، استاد مطهری، فطرت، پلنتینگا، باور پایه

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	مقدمه
	فصل اول: سیر تاریخی بحث منشأ دین
۸.....	۱-۱- معنای دین
۸.....	۱-۱-۱- معنای لغوی
۸.....	۱-۱-۲- معنای اصطلاحی
۹.....	۲-۱- معنای منشأ دین
۱۰.....	۱-۲-۱- علت پیدایش دین
۱۰.....	۲-۲-۱- علت پذیرش دین
۱۰.....	۳-۲-۱- بایستگی یا ضرورت دینداری
۱۰.....	۳-۱- تاریخچه بحث منشأ دین
۱۱.....	۴-۱- دیدگاه های مختلف درباره منشأ دین
۱۱.....	۱-۴-۱- دیدگاه الحادی
۱۲.....	۱-۴-۱-۱- کارل هاینریش مارکس
۱۵.....	۱-۴-۱-۱-۱- نقد دین به مثابه از خودبیگانگی
۲۱.....	۱-۴-۱-۲-۱- نقد دین به مثابه ایدئولوژی
۲۵.....	۲-۴-۱-۱- فردریش ویلهلم نیچه
۳۰.....	۳-۴-۱-۱- زیگموند فروید
۳۱.....	۱-۴-۱-۳-۱- عوامل گرایش به دین از دیدگاه فروید
۳۱.....	۱-۴-۱-۳-۱-۱- رابطه پدر و فرزند
۳۳.....	۲-۴-۱-۳-۱-۱- روان رنجوری انسان
۳۸.....	۲-۴-۱-۲- دیدگاه خداگرایانه
۳۹.....	۱-۴-۱-۲-۱- نظریه فطرت
۴۰.....	۱-۴-۱-۲-۱-۱- معنانشناسی فطرت

۴۰ ۱-۱-۱-۲-۴-۱ معنای فطرت در الاهیات اسلامی

۴۲ ۲-۱-۱-۲-۴-۱ معنای فطرت در الاهیات مسیحی

فصل دوم: منشأ اعتقاد به خدا از دیدگاه استاد مطهری

۴۶ ۱-۲ دیدگاه ها درباره منشأ اعتقاد به خدا

۴۷ ۱-۱-۲ ترس

۴۷ ۲-۱-۲ جهل و نادانی

۴۷ ۳-۱-۲ علاقه به نظم و عدالت

۴۷ ۴-۱-۲ وسیله کسب امتیاز

۴۸ ۵-۱-۲ غریزه جنسی

۴۹ ۶-۱-۲ فطرت

۴۹ ۱-۶-۱-۲ الکسیس کارل

۴۹ ۲-۶-۱-۲ ویلیام جیمز

۵۰ ۳-۶-۱-۲ کارل گوستاو یونگ

۵۰ ۴-۶-۱-۲ آلبرت اینشتاین

۵۱ ۲-۲ معنای فطرت

۵۳ ۱-۲-۲ تفاوت فطرت و امر مکتسب

۵۴ ۲-۲-۲ تفاوت فطرت و سرشت

۵۴ ۳-۲-۲ تفاوت فطرت و غریزه

۵۵ ۴-۲-۲ تفاوت فطرت و طبیعت

۵۵ ۳-۲ انواع فطرت

۵۵ ۱-۳-۲ فطریات ادراکی

۵۸ ۲-۳-۲ فطریات احساسی

۵۸ ۱-۲-۳-۲ حقیقت جویی

۵۹ ۲-۲-۳-۲ گرایش به خیر و فضیلت

۵۹ ۳-۲-۳-۲ گرایش به جمال و زیبایی

۵۹ ۴-۲-۳-۲ گرایش به خلاقیت و ابداع

۶۰ ۵-۲-۳-۲ عشق و پرستش

۶۲ **توجیه مصادیق پنج گانه فطریات احساسی

- ۶۳ ۴-۲ اثبات وجود فطریات در انسان
- ۶۴ ۱-۴-۲ برهان های غیرمستقیم
- ۶۴ ۱-۱-۴-۲ عواقب نپذیرفتن فطریات
- ۶۴ ۲-۱-۴-۲ نقد آرای دیگر دانشمندان
- ۶۵ ۲-۴-۲ برهان های مستقیم
- ۶۵ ۱-۲-۴-۲ ادراک وجدانی
- ۶۶ ۲-۲-۴-۲ تجربه های علمی
- ۶۷ ۵-۲ خداشناسی نیز فطری است
- ۷۰ ۱-۵-۲ خداشناسی فطری در قرآن
- ۸۱ ۲-۵-۲ خداشناسی فطری در حدیث نبوی
- ۸۱ ۳-۵-۲ خداشناسی فطری در نهج البلاغه
- ۸۲ ۴-۵-۲ خداشناسی فطری در صحیفه سجادیه
- ۸۳ ۶-۲ پاسخ به یک شبهه

فصل سوم: منشأ اعتقاد به خدا از دیدگاه پلنتینگا

- ۸۷ ۱-۳ مبنای گروهی
- ۸۷ ۱-۱-۳ تعریف مبنای گروهی
- ۸۸ ۲-۱-۳ قضایای پایه
- ۸۸ ۳-۱-۳ قضایای غیرپایه
- ۸۹ ۴-۱-۳ باور واقعا پایه
- ۸۹ ۵-۱-۳ رد مبنای گروهی کلاسیک
- ۹۲ ۶-۱-۳ پذیرش مبنای گروهی اصلاح شده
- ۹۳ ۲-۳ بینه گروهی
- ۹۳ ۱-۲-۳ تعریف بینه گروهی
- ۹۳ ۲-۲-۳ اعتراض بینه گرایان
- ۹۴ ۳-۲-۳ رد بینه گروهی
- ۹۵ ۳-۳ الاهیات طبیعی (عقلی)
- ۹۵ ۱-۳-۳ تعریف الاهیات طبیعی (عقلی)
- ۹۵ ۲-۳-۳ نقد براهین سه گانه الاهیات طبیعی (عقلی)

- ۹۵ ۱-۲-۳-۳ نقد برهان جهان شناختی
- ۹۷ ۲-۲-۳-۳ نقد برهان غایت شناختی
- ۹۸ ۳-۲-۳-۳ نقد برهان وجود شناختی
- ۹۹ ۴-۳ اثبات واقعا پایه بودن اعتقاد به خدا
- ۹۹ ۱-۴-۳ رد معیارهای میناگروی کلاسیک
- ۹۹ ۲-۴-۳ مثال های نقض
- ۱۰۰ ۱-۲-۴-۳ باورهای مبتنی بر ادراک حسی
- ۱۰۱ ۲-۲-۴-۳ باورهای مبتنی بر حافظه
- ۱۰۲ ۳-۲-۴-۳ باورهای نسبت دهنده نوعی وضعیت روحی خاص به دیگران
- ۱۰۳ ۳-۴-۳ توسل به روش استقراء
- ۱۰۴ ۴-۴-۳ باور به خدا واقعا پایه است
- ۱۰۶ ۱-۴-۴-۳ توسل به سنت اصلاح شده
- ۱۰۹ ۵-۴-۳ اساس باور به خدا
- ۱۱۱ ۱-۵-۴-۳ منشأ اعتقاد به خدا

فصل چهارم: بررسی تطبیقی دیدگاه های استاد مطهری و پلنتینگا

- ۱۱۳ ۱-۴ دیدگاه استاد مطهری درباره فطرت
- ۱۱۳ ۱-۱-۴ تعریف فطرت و انواع آن
- ۱۱۴ ۲-۱-۴ براهین اثبات وجود فطریات در انسان
- ۱۱۴ ۳-۱-۴ کارکردهای فطرت
- ۱۱۵ ۲-۴ دیدگاه پلنتینگا درباره باور پایه
- ۱۱۵ ۱-۲-۴ باور پایه و میناگروی کلاسیک
- ۱۱۶ ۲-۲-۴ پلنتینگا و رد میناگروی کلاسیک
- ۱۱۶ ۳-۲-۴ پلنتینگا و رد بینه گروی
- ۱۱۶ ۴-۲-۴ پلنتینگا و رد الاهیات عقلی
- ۱۱۷ ۵-۲-۴ پلنتینگا و باور پایه
- ۱۱۷ ۶-۲-۴ پلنتینگا و منشأ اعتقاد به خدا
- ۱۱۷ ۳-۴ انتقادات وارد بر دیدگاه استاد مطهری
- ۱۱۸ ۱-۳-۴ نقد وارد بر تعریف فطرت

- ۱۱۸ ۲-۳-۴ نقد وارد بر دسته بندی فطریات احساسی
- ۱۱۹ ۳-۳-۴ نقد براهین اثبات وجود فطریات در انسان
- ۱۲۱ ۴-۳-۴ نقد علل اعراض از دین از دیدگاه استاد مطهری
- ۱۲۴ **دیدگاه طرفداران نظریه فطرت
- ۱۲۹ ۴-۴ انتقادات وارد بر دیدگاه پلنتینگا
- ۱۲۹ ۱-۴-۴ واقعا پایه بودن تضمین کننده صدق نیست
- ۱۲۹ ۲-۴-۴ واقعا پایه بودن اعتقاد به خدا مورد توافق همگان نیست
- ۱۳۱ ۳-۴-۴ واقعا پایه شدن هر اعتقاد خرافی
- ۱۳۳ ۴-۴-۴ امکان توسل جستن پیروان همه ادیان به پایه بودن اعتقادشان
- ۱۳۵ ۵-۴-۴ انتقادات ون هوک به دیدگاه پلنتینگا
- ۱۳۷ ۵-۴ مقایسه دیدگاه دو فیلسوف

نتایج و پیشنهادات

- ۱۴۰ الف: نتایج
- ۱۴۲ ب: پیشنهادات
- ۱۴۳ فهرست منابع

مقدمه

پیشینه بحث منشأ دین و به تبع آن باورهای دینی، به عصر روشنگری باز می‌گردد که در قرن هجدهم در اروپا آغاز شد. درباره زمان آغاز و پایان عصر روشنگری اختلاف نظر وجود دارد؛ به گونه‌ای که برخی آغاز این عصر را سال ۱۶۸۸ و پایان آن را سال ۱۷۷۶ میلادی مصادف با سال استقلال امریکا یا سال ۱۷۸۹ برابر با سال انقلاب کبیر فرانسه و برخی دیگر پایان آن را سال ۱۸۱۵ میلاد؛ زمان شکست فرانسه در یکی از جنگ‌ها و مقارن با جنبش رومانیتیک دانسته‌اند. خاستگاه آن انگلستان بود، اما در فرانسه رشد کرد و ترقی یافت. این عصر از آن جهت "عصر روشنگری" نام گرفته که رهبران آن مدعی بودند عصر علم را آغاز کرده‌اند تا انسان‌ها را از وهم و خرافه‌ای که در آن می‌زیستند، خارج کنند.

برخی درباره عصر روشنگری چنین گفته‌اند که: پیش از این دوره، انسان بخشی از جهانی که نظام الهی بر آن حاکم است بود، اما در این دوره نه تنها این اندیشه کنار گذاشته شد؛ بلکه این اندیشه جایگزین شد که جهان براساس عقل، تجربه و کشف انسان شناخته می‌شود..

در این عصر طرز تفکر علمی-انتقادی، که بر شناخت علمی متکی است، حاکم شد و عده‌ای در غرب معتقد شدند تمام اشیاء و پدیده‌ها باید به آزمایشگاه علوم تجربی برده شوند؛ زیرا تجربه و مشاهده اساس و بنیان همه شناخت‌هاست و همه علوم حتی فلسفه باید به علم طبیعی تبدیل شوند. مهمترین عامل شکل‌گیری این تفکر، بی‌توجهی کلیسای قرون وسطی به انسان بود. پیش از این، شناخت دینی حاکم بود. تفاوت این دو شناخت در این است که شناخت دینی حالتی شخصی است، از نیروی درونی، خردمندی، صفای باطن و در نتیجه فراگیری عمیق متون مقدس و نیز ایمان و انجام فرایض دین سنتی حاصل می‌شود، پذیرش یافته و پیوسته الهی و ازلی است و ادعای کمال، قطعیت و اعتبار جاودانه دارد؛ در حالی که شناخت علمی به هیچ سنت ایمانی وابسته نیست، از نظر اخلاقی بی‌طرف است و ادعای تغییر باطن یا سعادت ابدی را ندارد، ساخته و پرداخته انسان است، موقت و گذراست، پیوسته در حال دگرگونی و رشد است و هدف آن دریافتن و مهار کردن جهان پیرامون ماست. شناخت علمی، دین را تاریک‌اندیش و احياناً عقب مانده می‌داند.

پیام اصلی عصر روشنگری "اندیشه مدرنیسم" و برجسته ترین رخداد این دوره "کشف انسان" است. در این دوره، انسان خود و توانایی هایش را کشف کرد و به این نتیجه رسید که با عقل نقاد خود می تواند مجهولات را معلوم کند. طرفداران این عصر معتقد بودند که انسان پیشین چون خود را نسبت به کشف علل و عوامل پدیده های طبیعی ناتوان می دید، آن ها را به امور ماورای طبیعی نسبت می داد، اما انسان این دوره که هیچ موجود یا پدیده ای را خارج از قدرت خود نمی دانست، به خود گوشزد کرد که چون عصر علم آغاز شده است، باید در همه چیز بازنگری کند.

شعار این عصر این بود که انسان می تواند همه چیز را کشف کند و چیزی که از تیررس انسان خارج باشد، وجود ندارد. پس همه چیز را باید به آزمایشگاه علوم تجربی برد.

از نظر طرفداران روشنگری دو چیز مانع شناخت طبیعت بود: یکی احکام ماوراء الطبیعه و دیگری احکام غیرطبیعی. از نظر اینان احکام ماوراء الطبیعه دستاورد مدعیان پیوند با غیب یعنی پیامبران یا ساخته و پرداخته روحانیون مسیحی برای چیره شدن بر افکار و نفوس مردم و در خوش بینانه ترین حالت، تفسیر نادرست کلیسا از متون دینی یهودی-مسیحی بودند. احکام غیرطبیعی نیز پاره ای از سنت های زشت و نامعقول مانند قربانی کردن انسان بودند که از اعتقاد به ماوراء الطبیعه ناشی می شدند و هدف از انجام آن ها به دست آوردن خرسندی و خشنودی خدایان و رستگاری در جهان دیگر بود. روشنگری هر دو را کنار زد تا بتواند راه پیشرفت را بگشاید.

در طول عصر روشنگری ؛ عقلگرایان و طرفداران طبیعت گرایی علمی، باورها و اعتقادات مذهبی را با دو چالش روبرو کردند: نخستین چالش این بود که معتقد شدند اصول و مبانی ارزش ها و تعهدات اخلاقی می توانند از وجوه ماهیت بشری (خرد و احساس) استخراج شوند. براین اساس، اخلاق دینی غیرمعتبر و ناموثق است. دومین چالش نیز این بود که معتقد شدند ماهیت انسان ماحصل و نتیجه تکامل است. این گروه با اتکا به داده ها و شواهد علمی، دیدگاه دینی درمورد منشأ و خلقت انسان را نادرست و موهوم تلقی کردند. این طرز تفکر موجب شد دینداران نیز در درون دچار تعارض شوند. برخی از دینداران به رغم ظهور این اندیشه همچنان محکم و استوار به اعتقادات خود پایبند ماندند، اما برخی دیگر پذیرفتند که باید در برخی امور بازنگری و الهیات را به شکل جدید و مطابق با روز تدوین کنند و به عبارتی تفسیر امروزی از کتاب مقدس ارائه دهند. نتیجه این امر پیدایش علمی به نام "الهیات جدید مسیحی" یا "کلام جدید" بود. علاوه بر این، در این عصر کتاب های مقدس یهودیان و مسیحیان به طور جدی مورد شک قرار گرفتند و در نتیجه ؛ ایمان مردم، که مبتنی بر این کتاب بود، متزلزل شد. همین تزلزل ؛ دینداران و آنانی را که دغدغه دین دارند برآن می دارد تا به مقابله با اندیشه های این عصر پرداخته و از حقانیت اعتقادات دینی و در راس آن ها اعتقاد به خدا، که در این دوره مورد تردید قرار گرفت، دفاع کنند.

- پرسش پژوهش و تبیین آن

پرسش پژوهش حاضر این است که "دیدگاه استاد مطهری و پلنتینگا در باب منشأ اعتقاد به خدا چیست؟" برای تبیین این پرسش ذکر یک مقدمه ضروری به نظر می رسد و آن این است که آرای فیلسوفان و متکلمان در باب منشأ دین و در رأس آن اعتقاد به خدا به طور کلی به دو دسته تقسیم می شود: نظریات الحادی و نظریات خداگرایانه. نظریات الحادی نظریاتی هستند که برای دین، منشأ فوق طبیعی قایل نیستند و منشأ آن را در دو عامل جامعه یا حالات درونی از قبیل ترس جستجو می کنند. در مقابل، نظریات خداگرایانه نظریاتی هستند که بر این پیش فرض استوار شده اند که خدا ساخته و پرداخته ذهن بشر نیست؛ بلکه موجودی حقیقی است که گرایش به وجود خود را در بشر تعبیه کرده است. در این پژوهش قصد داریم دیدگاه دو متفکر جهان اسلام و غرب (استاد مطهری و پلنتینگا) را درباره موضوع مورد بحث، بررسی کنیم البته ذکر این نکته لازم است که آرای این دو فیلسوف که هر دو به طیف خداباوران تعلق دارند، از جهاتی به یکدیگر نزدیک است، هرچند که جنبه های متفاوتی نیز در آرای آنان وجود دارد که در پرسش های فرعی بیان می شود.

- پرسش های فرعی

- ۱- به نظر استاد مطهری منشأ اعتقاد به خدا چیست؟
- ۲- به نظر پلنتینگا منشأ اعتقاد به خدا چیست؟
- ۳- شباهت دیدگاه استاد مطهری و پلنتینگا در باب منشأ اعتقاد به خدا چیست؟
- ۴- تفاوت دیدگاه استاد مطهری و پلنتینگا در باب منشأ اعتقاد به خدا چیست؟

- فرضیات پژوهش

- ۱- به نظر استاد مطهری انسان به حسب نوع خاص آفرینش خود (فطرت) به خدا گرایش دارد.
- ۲- به نظر پلنتینگا اعتقاد به خدا محصول حس الوهی بشر و در شمار اعتقادات پایه او است.
- ۳- براساس دیدگاه هر دو متفکر، منشأ اعتقاد به خدا غیربرهانی است.
- ۴- کارکرد نظریه فطرت استاد مطهری وجود شناختی یا معرفت شناختی از نوع دفاع از حقانیت اعتقاد به خدا است؛ در حالی که کارکرد نظریه پلنتینگا معرفت شناختی از نوع دفاع از معقولیت اعتقاد به خدا است.

- اهداف پژوهش و ضرورت آن

پیشینه بحث منشأ دین و به تبع آن باورهای دینی به عصر روشنگری باز می گردد. در این دوره، متفکران ضمن رد آرای پیشینیان در باب منشأ دین و اعتقادات دینی ادعا کردند که منشأ دین مافوق طبیعی نیست؛ بلکه اجتماعی یا روان شناختی است. با بیان این نظریه، حقانیت اعتقادات دینی و در رأس آن اعتقاد به خدا مورد تردید قرار گرفت. بنابراین برای رد این نظریه و دفاع از حقانیت اعتقادات دینی تبیین منشأ دین ضروری است.

برهمن اساس هدف پژوهش حاضر، آشنایی با اندیشه های ارزشمند استاد مطهری و پلنتینگا فیلسوف معاصر امریکایی در باب منشأ اعتقاد به خدا است. در بخش پایانی پژوهش نیز دیدگاه این دو متفکر جهان اسلام و غرب درباره موضوع مورد بحث با یکدیگر مقایسه می شود.

- مروری بر مطالعات انجام شده

پس از جستجوهای فراوان و مراجعه به کتابخانه ها و دانشگاه های مختلف به این نتیجه رسیدم که تا کنون در هیچ پایان نامه ای به موضوع این پژوهش یعنی منشأ اعتقاد به خدا از دیدگاه استاد مطهری و پلنتینگا پرداخته نشده؛ بلکه تنها در تعداد محدودی پایان نامه؛ دیدگاه پلنتینگا درباره موضوع مورد بحث بررسی شده است که عناوین پایان نامه ها بدین شرح است:

- ۱- بی نیازی اعتقاد به خدا از اقامه استدلال، بررسی موردی معرفت شناسی اصلاح شده و نظریه تفکیک/ پدیدآورنده: نوروزی، محمد حسن/ دانشگاه امام صادق (ع)/ استاد راهنما: اکبری، رضا/ سال دفاع ۱۳۸۲
- ۲- اعتقاد به خدا، پژوهشی معرفت شناسانه در دین/ تالیف: جرج ادرموردز/ پدیدآورنده: موسوی گیلانی، سید رضی/ دانشگاه علامه طباطبایی/ استاد راهنما: عبادیان، محمود
- ۳- نقد و بررسی دیدگاه الوین پلنتینجا درباره اعتبار باورهای دینی/ پدید آورنده: مبینی، محمد علی/ موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)/ سال دفاع ۱۳۸۱/ استاد راهنما: دکتر فنایی اشکوری، محمد
- ۴- تبیین و ارزیابی نظریه تضمین الوین پلنتینگا در معرفت شناسی اصلاح شده/ پدیدآورنده: هدایی، علیرضا/ دانشگاه علامه طباطبایی

- معرفی اجمالی فصول

پژوهش حاضر از چهار فصل تشکیل شده است که هر یک از فصول به تفکیک بدین شرح اند:

فصل اول

در این فصل به تبیین معنای منشأ دین، تاریخچه بحث منشأ دین و دیدگاه های مختلف درباره منشأ دین شامل دیدگاه خداگرایانه و الحادی پرداخته و بیان کرده ایم که استاد مطهری و پلنتینگا، دو فیلسوفی که در این پژوهش قصد داریم به شرح و تحلیل دیدگاهشان درباره منشأ اعتقاد به خدا بپردازیم، به دیدگاه خداگرایانه و نظریه فطرت قائل اند.

فصل دوم

در این فصل -که صرفاً به بررسی دیدگاه استاد مطهری درباره منشأ اعتقاد به خدا اختصاص دارد، نخست دیدگاه های گوناگون را درباره منشأ اعتقاد به خدا از دیدگاه استاد مطهری بررسی و بیان می کنیم که ایشان هیچ یک از این دیدگاه ها را نمی پذیرد؛ بلکه معتقد می شود که تنها منشأ اعتقاد به خدا "فطرت" است. آن گاه به تبیین معنای فطرت، بیان انواع فطرت و اثبات وجود فطریات در انسان از دیدگاه استاد

مطهری پرداخته و در پایان نیز بیان کرده ایم که از نقطه نظر ایشان نه تنها منشأ اعتقاد به خدا؛ بلکه خداشناسی نیز فطری است.

فصل سوم

در این فصل -که به بررسی دیدگاه پلنتینگا درباره منشأ اعتقاد به خدا اختصاص دارد- بیان کرده ایم که پلنتینگا معتقد است باور به خدا باوری واقعا پایه است و از این روی حتی اگر خدا باوران هیچ بینه ای برای دفاع از باور خود در اختیار نداشته باشند؛ باز هم اعتقادشان موجه و معقول است. پلنتینگا برای نیل به این مقصود از تبیین مفهوم پایه شروع می کند و از آن جا که این مفهوم ریشه در مبناگروی دارد، این مقوله را نیز تبیین و سپس آن را نقد می کند. او با نقد مبناگروی، بینه گروی را که مبناگروی ریشه در آن دارد و نیز الاهیات طبیعی را که بینه گروی ریشه در آن دارد، نقد و واقعا پایه بودن اعتقاد به خدا را اثبات و از عقلانیت این اعتقاد دفاع می کند. در پایان این فصل نیز بیان کرده ایم که از نظر پلنتینگا منشأ اعتقاد به خدا فطری است.

فصل چهارم

در این فصل نیز که آخرین فصل پایان نامه محسوب می شود، دیدگاه استاد مطهری در باب فطرت و دیدگاه پلنتینگا را در باب باور پایه به طور خلاصه بیان کردیم و سپس به بیان انتقادات وارد بر دیدگاه هر یک از این دو فیلسوف پرداختیم و در پایان نیز دیدگاه این دو را با یکدیگر مقایسه کردیم.

-نتایج کلی پژوهش

نتیجه کلی که از مطالعه این پژوهش می توان گرفت، این است که از نظر استاد مطهری و پلنتینگا منشأ اعتقاد به خدا فطرت است؛ با این تفاوت که استاد مطهری از فطرت برای اثبات حقانیت اعتقادات دینی و پلنتینگا برای اثبات عقلانیت اعتقادات دینی و در رأس آن ها اعتقاد به خدا استفاده می کنند.

فصل اول

سیر تاریخی بحث منشأ دین

موضوع این فصل، همان گونه که از نامش پیداست، بررسی سیر تاریخی بحث منشأ دین است. پیش از آغاز هرگونه بررسی، تبیین معنا و منشأ دین ضروری به نظر می‌رسد؛ زیرا نخست باید مشخص شود منظور از دین در این عبارت چیست و سپس تبیین شود مراد از منشأ دینداری چیست. آنگاه پس از بررسی معنا و منشأ دین به تاریخچه بحث خواهیم پرداخت. در پایان فصل نیز دیدگاه‌ها درباره منشأ دین را تقسیم بندی و دیدگاه نمایندگان برجسته هر یک از این دیدگاه‌ها را بیان خواهیم کرد.

۱-۱-۱- معنای دین

برای دین دو معنا می‌توان متصور شد: معنای لغوی و معنای اصطلاحی.

۱-۱-۱- معنای لغوی: دین به این معنا، مجموعه‌ای از باورهای مرتبط با علت، ماهیت و غایت جهان است؛ به ویژه زمانی که به عنوان خلق یک عامل یا عوامل ماورای طبیعی مطرح شود.

۱-۱-۲- معنای اصطلاحی: دین در معنای اصطلاحی به معنای نهضت‌ها و گروه‌های دینی فعال در جهان است که براساس منشأ تاریخی و تأثیر متقابل به هفت دسته تقسیم می‌شود.

○ ادیان ابراهیمی: این ادیان که از خاورمیانه برخاسته‌اند و بیشترین پیروان را در جهان به خود اختصاص داده‌اند، عمدتاً مسیحیت، اسلام و یهودیت را شامل می‌شوند. وجه تمایز این ادیان، اعتقاد به خدای واحد است.

○ ادیان هندی: ادیان اصلی هند عبارت‌اند از آیین هندو، آیین بودا، آیین سیک و دین برهما بودا. این ادیان بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند.

○ ادیان شرق آسیا: پیروان این ادیان در چین از مفهوم "تائو"^۱ و در ژاپن یا کره از مفهوم "دو"^۲ استفاده می‌کنند که همان تائوئیسم یا آیین تائو^۳ و کنفوسیائیسم یا آیین کنفوسیوس است.

^۱ - Tao

^۲ - Do

^۳ - Taoism

- ادیان پراکنده افریقا: پیروان این ادیان که در امریکای شمالی و جنوبی وجود دارند، در نتیجه تجارت بردگان در فاصله قرن های شانزدهم تا هجدهم به این قاره وارد شده اند.
- ادیان قبیله ای بومی: این ادیان پیشتر در هر قاره ای یافت می شدند، اما در حال حاضر با ظهور ادیان سازمان یافته منزوی شده اند و به عنوان جریان هایی از ادیان عامیانه سرگرم فعالیت هستند. ادیان سنتی افریقا، ادیان بومی امریکا و ادیان عامیانه چین از جمله این ادیان به شمار می آیند.
- ادیان ایرانی: خاستگاه این ادیان ایران است و دین های زرتشتی، یزدانیسم و اهل حق را شامل می شوند.
- نهضت جدید دینی: این اصطلاح برای هر نوع دینی به کار برده می شود که از قرن نوزدهم به بعد به منصفه ظهور رسیده است. به عنوان نمونه جنبش "Ayyavazhi" از جنبش های اصلاح طلب هند یک نهضت جدید دینی به شمار می آید.^۴
- منظور از دین در این پژوهش نخستین مورد از معنای اصطلاحی آن است؛ لذا از این پس، هر جا از عبارت دین یا منشأ دین استفاده شود، منظور دین ابراهیمی است.

۱-۲- معنای منشأ دین

- در این باره که منشأ دین چیست و به چه معناست، دست کم سه احتمال وجود دارد:^۵
- ۱-۲-۱- علت پیدایش دین: همان طور که می دانیم هر دینی مجموعه ای از باورها، اعمال، نهادها، اساطیر و غیره را شامل می شود. مراد از بحث منشأ پیدایش دین در این معنا این است که این مجموعه های گوناگون یعنی ادیان مختلف چگونه به وجود آمده اند.^۶
- ۱-۲-۲- علت پذیرش دین: مراد از منشأ دین در این معنا این است که انگیزه مردم از گرایش به دین چیست و این که چرا انسان ها با وجود اختلاف در فرهنگ، آداب و رسوم و دیگر وسائل زندگی خود؛ به نحوی در گرایش به دین یکسان هستند؟

^۴ - برای کسب اطلاعات بیشتر ر.ک به: http://en.wikipedia.org/wiki/Major_religious_groups

^۵ - فناپی، ابوالقاسم، درآمدی بر فلسفه دین و کلام جدید، انتشارات اشراق، تهران، ۱۳۷۵، ص ۱۲۲

^۶ - قائمی نیا، علیرضا، درآمدی بر منشأ دین، چاپ اول، انتشارات معارف، قم، پاییز ۱۳۷۹، ص ۱۳